

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مئة منقبة من

مناقب أمير المؤمنين عليه السلام و الأئمة من ولده عليه السلام

من طريق العامة

ابوالحسن محمد بن احمد بن علي (ابن شاذان القمي)

.....

مناقب اهل بيت عليهم السلام

در لسان اهل سنت و جماعت

ترجمه مناقب ابن شاذان قمي رحمته الله

مترجم:

عبدالله مختاری بهمنی - مجتبیٰ بختیاری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	ابن شاذان، محمد بن احمد، ۳۳۵ - ۴۲۰ ق.
عنوان قراردادی	Ibn-Shadhan, Mohammad Ibin Ahmad
عنوان و نام پدیدآور	مائة منقبة من مناقب اميرالمومنين عليه السلام، فارسی - عربی مناقب اهل بيت عليهم السلام در لسان اهل سنت و جماعت ترجمه مناقب ابن شاذان قمی رحمه الله / مترجم عبدالله مختاری بهمنی، مجتبی بختیاری
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص؛ ۱۴×۲۱ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۸۰-۰۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۷۴
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- فضایل -- احادیث
موضوع	Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Virtues -- Hadiths
موضوع	احادیث شیعه -- قرن ۵ ق.
موضوع	Hadith (Shiites) -- Texts -- 11 th century
موضوع	اثمه اثناعشر -- احادیث
موضوع	Imams (Shiites) -- Hadiths
شناسه افزوده	مختاری، عبدالله، ۱۳۷۱ - مترجم
شناسه افزوده	بختیاری، مجتبی، ۱۳۷۴ - مترجم
رده بندی کنگره	BP۱/۱۹۰
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۷۳۶۰۶

نام کتاب	مناقب اهل بیت (علیهم السلام) در لسان اهل سنت و جماعت ترجمه
ناشر	مناقب ابن شاذان قمی (علیه السلام) چتر دانش
مترجم	عبدالله مختاری بهمنی، مجتبی بختیاری
نوبت و سال چاپ	دوم - ۱۴۰۱
شمارگان	۵۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۸۰-۰۰
قیمت	۱۱۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز بخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

مقدمه مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش و سپاس خداوند بی‌مانند را سزااست که ما را به واسطه‌ی کشتی وجود اهل دین، اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم اجمعین؛ از موج‌های گوناگون فتن، نجات داد و ما را به وسیله‌ی انوار لامعه قرآن مبین و حدیث ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به شناختن فرایض و سنن در دین هدایت فرمود و از دیده‌های عقل و فهم، ابرهای شک و بدگمانی را بگشود و از روی دل‌های ما پرده‌های گمان و پوشش نادانی را برداشت و اعتقاد باطل را از نهان ما بیرون کرد و اعتقاد حق را در دل‌های ما ثابت و برقرار گردانید؛ چراکه شک و گمان از آن چیزی است که از پی فتنه‌ها می‌آید و بخشش‌ها و بخشایش‌های خداوندی را تیره‌وتار می‌کند.

چه بسیار تُنک است راه بر کسی که تو راهنمای او نباشی و چه مقدار روشن است، حق در نزد کسی که راه حق را تو به او نموده باشی؛ درود فراوان و رحمت بی‌اندازه فرست بر فخر ممکنات، بهتر و مهتر کائنات سرور و سردار کافه اصحاب صفا و اصطفاء محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیغمبری که وظیفه رسالت را انجام داد و فرمان او را ابلاغ نمود و تعهد خود را ادا کرد و بار نبوت را بر دوش کشید و برای پروردگارش شکیبا بود و برای هدایت امت خود دو نقل به امانت گذاشت. این دو یار دمساز بودند و هر کدام گواه صادق دیگر بودند، امام از سوی حق به قرآن گویا بود نسبت بدان‌چه خدا بر بندگانش واجب کرده بود از فرمان‌بری خود و فرمان‌بری از امام و ولایت وی و حق لازم او که به خواست حق وسیله‌ی استکمال دین و اظهار امر و احتجاج به حجت‌های او و پرتویابی از نور او بود در معادن صفوت و برگزیده از خاندان پیغمبر خویش، خدا به وسیله‌ی پیشوایان هدایت خاندان پیغمبر ما (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دین خود را روشن نمود و بدان‌ها راه روش‌های آن را پرتویاب ساخت و نهان چشمه‌های دانش خود را برگشود، آنان را مسالک معرفت خود و معالم دین خویش و پرده‌داران میان خود، خلق و باب حق‌شناسی خود نمود و محرم اسرار خویش ساخت. چون امامی از آن‌ها درمی‌گذشت دنبال او امامی هویدا و رهبر و پرتوافکن می‌گماشت، امامی نگهبان حق، همه به حق رهبری می‌کردند و آن را استوار می‌داشتند. حجت‌های خدا بودند و دعوت‌کننده‌های او و سرپرست‌های خلقش، همه بندگان به رهبری آنان دینداری می‌کنند و همه‌ی بلاد نور آنان را می‌جویند، خدایشان حیات

مردم ساخته و چراغ‌های تاریکی و کلیدهای سخنوری و ستون‌های اسلام نموده، خدا نظام طاعت و تمامیت دستور خود را تسلیم به آن‌ها مقرر کرده. در آنچه از احکام معلوم باشد و آنچه را نامعلوم است، وظیفه را رجوع به آن‌ها دانسته، سبقت‌جویی در اظهار نظر نسبت به احکام نامعلوم را بر دیگران غدق کرده و انکار آنچه از طرف آن‌ها معلوم شده، ممنوع ساخته؛ چون خدای تبارک و تعالی اراده کرده نجات‌دادن هر که را خواسته باشد از خلق خود از تاریکی‌های عمیق و مشکلات در پرده، خدا رحمت فرستد بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان نیکش که پلیدی را از آن‌ها برده و به‌خوبی پاکیزه‌شان کرده؛ اما دسیسه شیطان و محامی او مانع ایجاد حکومت صالحه شد، و بر خاندان آن پاک مطهر پشت کرده و راه ضلالت را پیموده‌اند، چنان امر را بر عده‌ای مشتبه کرده که حق را خواص و رافضی، و باطل را عامی و سنی نامیده‌اند. در این میان، آن‌که طالب حق باشد، و لو به روزنهٔ امیدی حق را می‌یابد، آنان حق را برای همه تبیین کرده و آنان چراغ راه پدران ما بودند، نه اینکه تبعیت ما از روی تقلید است، بلکه از راه دلیل و برهان است که دست‌به‌دست و سینه‌به‌سینه تا به عصر ما رسید. حاصل تلاش و ابرام صدها فقیه و متکلم که اینک چنان ثمره‌ای بر شجره مبین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌درخشند. از مؤمنان اول ابودر، عباس، مقداد، سلمان، ابن‌مسعود، تا ابوحزمه ثمالی، سلیم بن قیس، جابر بن عبدالله، تا زراره و یونس بن عبدالرحمان، و از آنان تا شبکه و کالت، نقابت و فقاہت، شیخ صفار، کلینی، ابن‌قولویه قمی، شیخ صدوق و اباه، نجاشی و غضائری، ابن ابی عقیل و ابن‌جنید، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی و تا شیخ ماهر، صاحب کتاب حاضر، ابن‌شاذان قمی؛ و همه کسانی که در اعتلاء و تبیین رسالت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ولایت علی مرتضی عَلَيْهِ السَّلَام قدم برداشته، قلمی فرسوده، کتابی نگاشته و زحمتی را متحمل شده‌اند.

عبدالله مختاری بهمنی

عید غدیر ذی‌الحجۃ سنة ۱۴۳۹

فهرست

۱۰.....	حیات مؤلف.....
۱۲.....	منقبة ۱.....
۱۴.....	منقبة ۲.....
۱۸.....	منقبة ۳.....
۲۰.....	منقبة ۴.....
۲۲.....	منقبة ۵.....
۲۸.....	منقبة ۶.....
۳۵.....	منقبة ۷.....
۳۹.....	منقبة ۸.....
۴۱.....	منقبة ۹.....
۴۳.....	منقبة ۱۰.....
۴۷.....	منقبة ۱۱.....
۵۲.....	منقبة ۱۲.....
۵۵.....	منقبة ۱۳.....
۵۷.....	منقبة ۱۴.....
۵۸.....	منقبة ۱۵.....
۶۰.....	منقبة ۱۶.....
۶۱.....	منقبة ۱۷.....
۶۴.....	منقبة ۱۸.....
۶۶.....	منقبة ۱۹.....
۶۷.....	منقبة ۲۰.....
۶۸.....	منقبة ۲۱.....
۷۱.....	منقبة ۲۲.....
۷۳.....	منقبة ۲۳.....
۷۴.....	منقبة ۲۴.....
۷۶.....	منقبة ۲۵.....
۷۷.....	منقبة ۲۶.....

٨٠.....	منقبة ٢٧
٨١.....	منقبة ٢٨
٨٢.....	منقبة ٢٩
٨٣.....	منقبة ٣٠
٨٤.....	منقبة ٣١
٨٧.....	منقبة ٣٢
٨٩.....	منقبة ٣٣
٩١.....	منقبة ٣٤
٩٢.....	منقبة ٣٥
٩٤.....	منقبة ٣٦
٩٥.....	منقبة ٣٧
٩٩.....	منقبة ٣٨
١٠٠.....	منقبة ٣٩
١٠١.....	منقبة ٤٠
١٠٢.....	منقبة ٤١
١٠٤.....	منقبة ٤٢
١٠٦.....	منقبة ٤٣
١٠٨.....	منقبة ٤٤
١٠٩.....	منقبة ٤٥
١١٠.....	منقبة ٤٦
١١١.....	منقبة ٤٧
١١٢.....	منقبة ٤٨
١١٣.....	منقبة ٤٩
١١٥.....	منقبة ٥٠
١١٧.....	منقبة ٥١
١١٨.....	منقبة ٥٢
١١٩.....	منقبة ٥٣

١٢٠.....	منقبة ٥٤
١٢١.....	منقبة ٥٥
١٢٣.....	منقبة ٥٦
١٢٤.....	منقبة ٥٧
١٢٥.....	منقبة ٥٨
١٢٦.....	منقبة ٥٩
١٢٧.....	منقبة ٦٠
١٢٨.....	منقبة ٦١
١٢٩.....	منقبة ٦٢
١٣١.....	منقبة ٦٣
١٣٢.....	منقبة ٦٤
١٣٣.....	منقبة ٦٥
١٣٤.....	منقبة ٦٦
١٣٥.....	منقبة ٦٧
١٣٧.....	منقبة ٦٨
١٣٨.....	منقبة ٦٩
١٣٩.....	منقبة ٧٠
١٤٠.....	منقبة ٧١
١٤١.....	منقبة ٧٢
١٤٢.....	منقبة ٧٣
١٤٣.....	منقبة ٧٤
١٤٥.....	منقبة ٧٥
١٤٦.....	منقبة ٧٦
١٤٧.....	منقبة ٧٧
١٤٩.....	منقبة ٧٨
١٥٠.....	منقبة ٧٩
١٥٢.....	منقبة ٨٠

١٥٣.....	منقبة ٨١
١٥٤.....	منقبة ٨٢
١٥٦.....	منقبة ٨٣
١٥٧.....	منقبة ٨٤
١٥٩.....	منقبة ٨٥
١٦٠.....	منقبة ٨٦
١٦١.....	منقبة ٨٧
١٦٣.....	منقبة ٨٨
١٦٤.....	منقبة ٨٩
١٦٦.....	منقبة ٩٠
١٦٧.....	منقبة ٩١
١٦٨.....	منقبة ٩٢
١٧٠.....	منقبة ٩٣
١٧١.....	منقبة ٩٤
١٧٣.....	منقبة ٩٥
١٧٤.....	منقبة ٩٦
١٧٦.....	منقبة ٩٧
١٧٨.....	منقبة ٩٨
١٨٤.....	منقبة ٩٩
١٨٦.....	منقبة ١٠٠
١٩٠.....	منابع

حیات مؤلف

ابوالحسن محمد بن احمد بن علی قمی معروف به ابن‌شاذان قمی در میانه سال‌های ۳۷۴ تا ۴۶۰ در قید حیات بوده است بنابراین او از علمای قرن چهارم و پنجم هجری است.

اولین محلی که برای زندگی او ذکر شده، شهر کوفه است که در آنجا در سال ۳۷۴ هجری از حسین بن احمد روایت شنیده است.

این نام، مشترك بين دو نفر است؛ محمد بن احمد بن شاذان قمی که فرد مورد بحث ما است و ابوالفضل، علی بن حسن بن شاذان که از علمای اهل سنت است و صاحب تألیفاتی نیز است.

ابوالحسن ابن شاذان قمی از محدثان شیعه است که از افراد فراوانی روایت نقل کرده و محضر بسیاری از علمای شیعه و سنی را درك کرده است.

استادان و شاگردان

برخی مشایخ او عبارت‌اند از: پدرش احمد بن علی، که از علما و مؤلفین شیعه بوده و ابن‌رئاب کتاب «فضایل أمير المؤمنين (علیه السلام)» را از او نقل کرده است، ابن قولویه صاحب کتاب شریف «کامل الزیارات» که دایی ابن‌شاذان است، شیخ صدوق، هارون بن موسی تلکبری و...

از جمله شاگردان و روات احادیث ابن‌شاذان می‌توان به بزرگانی چون شیخ طوسی، نجاشی (صاحب رجال) و کراجکی (مؤلف کنزالفوائد) اشاره نمود.

آثار

آنچه از تألیفات ابن‌شاذان به‌دست آمده عبارت است از: بستان الکرام، البیان فی رد الشمس لأمیر المؤمنین (علیه السلام)، المناقب (غیر از مائة منقبه)، ایضاح دفائن النواصب.

کتاب حاضر

کتاب «مأة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة من ولده (علیه السلام) من طریق العامة» معروف به «فضایل ابن شاذان» است که ابوالحسن محمد بن احمد بن علی، معروف به ابن شاذان قمی و از بزرگان شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری آن را تألیف کرده است.

برخی این کتاب را همان «إيضاح دفائن النواصب في مأة منقبة من مناقب علی بن أبی طالب (علیه السلام)» دانسته‌اند اما شیخ آقابزرگ مأة منقبة را کتابی در فضایل اهل بیت (علیهم السلام) و ایضاح دفائن النواصب را کتابی دیگر از ابن شاذان و در ردّ مخالفین اهل بیت و شیعه می‌داند. نسخه این کتاب تا قرن ۱۴ ه در کتابخانه حاج میرزا یحیی اصفهانی موجود بوده؛ اما هم‌اکنون اثری از آن یافت نمی‌شود.

کتاب حاضر از منابع مهم روایی شیعه است که بزرگانی چون ابوالفتح کراچکی، سید ابن طاووس، علامه مجلسی، سیدهاشم بحرانی و علامه امینی در کتب خود از آن نقل کرده‌اند.

مؤلف از میان اخبار متعدد، یک‌صد روایت را گلچین کرده است و این امر باعث شده روایاتی بسیار زیبا و بشارت‌دهنده به شیعیان جمع‌آوری گردد. مهم‌تر از آن، مقبولیت کتاب نزد مخالفان است. چنان‌که بزرگانی از اهل تسنن به آن اعتماد کرده و مطالب و روایات آن را در کتاب‌هایشان آورده‌اند، مانند خوارزمی در دو اثرش مناقب و مقتل الحسین (علیه السلام)، ابو عبیدالله شافعی در کفایة الطالب، حموینی در فرائد السمطين.

منقبة ۱

قال رسول الله ﷺ: «أنا سيّد الأوّلين و الآخريّن و أنت يا عليّ سيّد الخلائق بعدى و أولنا كأخرينا و آخرينا كأولنا»
 رسول خدا به اميرالمؤمنين (عليه السلام) فرمود: «من سيّد اولين و آخريّن هستم؛ يعنى بزرگ و سالار پيشينيان و پسينيان و اى عليّ تو سيّد تمام مخلوقات هستى پس از من. اول ما مانند آخر ماست و آخر ما مانند اول ماست».

در اين روايت كه از طريق عامه نقل شده است، فضل اميرالمؤمنين (عليه السلام) همانند فضل نبى اكرم (ﷺ) است. از آن فضايلى اين است كه رسول خدا (ﷺ) سرور و سيد تمام خلائق است. و به موجب اين روايت و همچنين ديگر روايات على (عليه السلام) نيز بر تمام خلائق، افضل است؛ اما رتبه او در مرتبه بعد از نبى اكرم (ﷺ) است. كلمه «الخلائق» جمع «خليقه» به دو معنى طبيعت و مخلوق است^۱ و چون جمع محلى به الف و لام است، شامل تمام مخلوقات مى شود.

كلمه «سيّد» در اصل «سيود» بوده و چون ياء ساكن و واو در کنار هم قرار گرفتند، واو به ياء تبديل شده و دو ياء در هم ادغام مى شود. سيد به معنى كريم، رئيس، بزرگ قوم و حليم است.^۲ مثل اين روايت، روايت ابوذر - رضوان الله عليه - است.^۳ ابوذر مى فرمايد: «نبى اكرم (ﷺ)

۱. تاج العروس من جواهر القاموس؛ ج ۱۳، ص ۱۲۲.

۲. همان؛ ج ۵، ص ۳۲.

۳. «هذا خير الاولين و خير الآخريّن من أهل السماوات و أهل الأرضين هذا سيد الصديقين و سيد الوصيين». بحار الانوار؛ ج ۲۶، ص ۳۱۶.

به امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه کرد و فرمود: علی علیه السلام بهترین اولین و آخرین اهل آسمان‌ها و زمین است. او سرور راستگویان و سرور اوصیاء است. همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «من سرور تمام پیامبران علیهم السلام و علی سرور تمام اوصیاء است»^۱.

۱. روی الشیخ محمد بن علی العاملی الشامی من علمائنا فی کتاب تحفة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب مما رواه من طریق العامة عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم أنه قال فی حدیث طویل: «أنا سید الأنبیاء و علی سید الأوصیاء». إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات؛ ج ۳؛ ص ۲۵۵.

منقبة ۲

عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرِي وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا وَ إِنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِنَّ عَلِيًّا خَطْبَنِي وَ لَوْ وَجَدْتُ لِفَاطِمَةَ خَيْرًا مِنْ عَلِيٍّ لَمْ أَرْوِّجْهَا مِنْهُ»^۱.

ابن عباس از رسول خدا ﷺ نقل می کند، که رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا علی بن ابی طالب بهترین خلق خدا غیر از من است. و حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند؛ ولی پدرشان از این دو بهتر است و فاطمه علیها السلام سرور زنان عالم است. و اگر برای فاطمه همسری بهتر از علی علیه السلام می یافتم، او را به علی تزویج نمی کردم».

این روایت رتبه فضیلت آل عبا را به وضوح بیان می کند. رسول خدا ﷺ طبق این روایت و روایات دیگر بهترین خلق، بعد از خود را علی علیه السلام و بعد از او فاطمه علیها السلام و فرزندان او علیهم السلام قرار دارد. عبارت «اگر برای فاطمه علیها السلام همسری بهتر از علی علیه السلام بود فاطمه را به علی تزویج نمی کردم» دلالت بر فضیلت و هم کفوی این دو دارد. همان طور که فاطمه علیها السلام در فضل یگانه است، چنین یگانه ای تنها باید همسر یگانه مردی باشد که در شأن او است.

رسول خدا ﷺ در ضمن خطبه ای می فرماید: «بدانید دنیا دریای عمیق است، بسیاری از افراد در آن غرق می شوند و تنها کشتی نجات آل

۱. همین روایت با اندکی تفاوت در لفظ در بحارالانوار نقل شده است. «علی أفضل من خلق الله غیري و الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة و ابوهما خیر منهما و إن فاطمة سيدة نساء العالمین و لو أن فاطمة خیرا من علی لم أروجها منه». بحار الأنوار؛ ج ۵۷؛ ص ۳۰۲.

محمد عليه السلام است، و آل محمد، این علی، فرزندان او حسن و حسین که می‌بیند و دیگر افراد بافضیلت از خاندان من هستند. پس هر کس داخل این کشتی شود، نجات یابد و هر کس تخلف ورزد، غرق می‌شود.^۱

روی هذا الحديث بعدة طرق و أسانيد عن عدة من الأئمة عليهم السلام و الصحابة نذكر منهم:

الإمام عليّ عليه السلام روى الحديث عنه: الصدوق في الخصال: ٦٠٢ ح ٥٢ في حديث، عنه البحار: ٣٤ / ٦٢ ح ٤٢ و أخرجه ابن شهر اشوب في المناقب: ٣ / ٤٠١ عن كتاب أبي بكر الشيرازي يأسنده عن مقاتل عن محمد بن الحنفية، عن أبيه عليه السلام، عنه البحار: ٣٤ / ٦٣.

الإمام الصادق عليه السلام روى الحديث عنه: الصدوق في معاني الأخبار: ٧٠١ ح ١ يأسنده الى المفضل بن عمر عنه البحار: ٣٤ / ٦٢ ح ٥٢.

سيدة نساء العالمين فاطمة عليها السلام أخرج الحديث عنها: القندوزي في ينابيع المودة: ٠٦٢.

عبدالله بن عباس روى الحديث عنه: الصدوق في الأمالي: ٥٤٢ ح ٢١ و ٣٩٣ ح ٨ بطريقتين عنه البحار ٣٤ / ٤٢ ح ٠٢ و العوالم ١١ / ٤٤.

و رواه الديلمي في الفردوس، عنه البحار: ٣٤ / ٦٧، و السيوطي في تاريخ الخلفاء: ٤١١.

و أورده ابن أبي الحديد في شرح نهج البلاغة: ٢ / ٧٥٤ مرسلًا-

١. «اعلموا أن الدنيا بحر عميق، و قد غرق فيها خلق كثير، و أن سفينة نجاتها آل محمد: علي هذا و ولده اللذان رأيتموهما سيكونان - و سائر أفاضل أهلي فمن ركب هذه السفينة نجا، و من تخلف عنها غرق».

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص ٤٣٢.

عائشة روى الحديث عنها:

الحافظ أبو داود الطيالسى في المسند: ۶۹۱، و ابن سعد في الطبقات الكبرى: ۸ / ۶۲، و النسائي في الخصائص: ۹۱۱، و الحاكم النيسابورى في المستدرک: ۳ / ۶۵۱.

و أخرجه النهانى البيروتى في جواهر البحار: ۱ / ۰۶۳، و السيوطى في الخصائص: ۲ / ۸۱، و في الجامع الكبير: ۷ / ۴۳۷ (المطبوع في هامش جامع الأحاديث) و المتقى الهندى في كنز العمال: ۵ / ۷۹ و ج ۳۱ / ۵۹، و القلندر الهندى في الروض الازهر: ۳۰۱، و الزبيدى الحنفى في اتحاف السادة المتقين: ۶ / ۴۴۲.

و رواه أبو نعيم في حلية الأولياء: ۲ / ۹۳ بثمانية طرق عن عائشة، و الخوارزمى في مقتل الحسين: ۱ / ۴۵، و البغوى في مصابيح السنة: ۲ / ۴۰۲، و ابن الأثير الجزرى في أسد الغابة: ۵ / ۲۲۵، و الذهبى في تاريخ الإسلام: ۲ / ۴۹، و العسقلانى في الإصابة: ۴ / ۸۷۳، و ابن عبد البر في الإستيعاب ۴ / ۵۷۳، و البدخشى في مفتاح النجا: ۲۱ (مخطوط).

و أخرجه النقشبندى في صلح الاخوان: ۶۱۱ عن صحيح مسلم. و أخرجه الزبيدى الحنفى في اتحاف السادة المتقين: ۷ / ۴۸۱ عن صحيحى البخارى و مسلم.

أخرجه عن بعض المصادر أعلاه في عوالم فاطمة عليها السلام: ۱۱ / ۴۴- ۱۵، و احقاق الحق: ۱ / ۷۲- ۱۴ و ج ۹۱ / ۸۱- ۲۲.

در مناقب ابن شهر آشوب اشعاری از ابن العودی وارد شده است:^۱
 أبوهم أمير المؤمنين و جد هم أبو القاسم الهادی النبی المکرم
 و هذا إذا عد المناسب في الوری هو الصهر و الطهر النبی له حم
 و خالهم إبراهيم و الأم فاطم و عمهم الطیار في الخلد ی نعم

۱. مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)؛ ج ۳؛ ص ۳۹۹.

منقبة ۳

عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال النبي ﷺ: «سمى الحسن حسنا لأن يا حسان الله قامت السماوات والأرضون و اشتق الحسن من الإحسان و علي و الحسن اسمان من أسماء الله تعالى و الحسين تصغير الحسن».

جابر از رسول خدا نقل می کند، که ایشان فرمود: «حسن به این خاطر حسن نامیده شد؛ زیرا با احسان خداوند آسمانها و زمین استوار است. و حسن از احسان مشتق گردید. علی و حسن نیز دو اسم از اسما خداوند متعال هستند و حسین اسم تصغیر شده حسن است».

طبق روایات وارد، اسم حسن و حسین تا زمان نام گذاری دو سبط حضرت رسول ﷺ بر کسی نام نهاده نشده و آنان که در یمن بودند با این دو اسم تفاوت داشتند (حسن با سکون سین و حسین با فتح حاء). بر طبق دیگر روایات نام گذاری در روز هفتم ولادت به وسیله نبی اکرم ﷺ صورت گرفته که جبرئیل امین در خرقه ای نام حسن را به شخص رسول ﷺ دادند.^۱ بر طبق حدیث منزلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بسان هارون (علیه السلام) بوده بنابراین اسم دو فرزند هارون به زبان عبری (شبر و شبیر) بوده و در عربی (حسن و حسین) است و پیامبر ﷺ بر

۱. عن عكرمة، قال: «لما ولدت فاطمة (عليها السلام) الحسن جاءت به إلى النبي ﷺ فسماه حسنا فلما ولدت الحسين (عليه السلام) جاءت به إليه فقالت: يا رسول الله هذا أحسن من هذا فسماه حسيناً». حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار (عليهم السلام)؛ ج ۴؛ ص ۲۰.

طبق این معنا، نام آن دو را بدین صورت حسن و حسین علیهم السلام نهاد. ^۱ در دیگر روایات آمده است که قبل از نام حسن او را به اسم حمزه و حسین را به اسم جعفر صدا می‌زدند که احتمالاً این مورد تا روز هفتم مرسوم بوده است. چنان که مستحب است فرزند پسر را تا روز هفتم عبدالله صدا بزنند. همچنین روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «این دو فرزندتان هر کدام چیزی به ارث برده‌اند، سپس فرمود؛ اما حسن عظمت و سروری من را به ارث برده و حسین جرأت و بخشش مرا.» ^۲

۱. عن سالم قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إنما سمیت ابنی هذین باسم ابنی هارون شبرا و شبیرا». عوالم العلوم و المعارف ج ۱۷، ص ۲۷.

۲. «ان هذان ابنك فورثهما شيئا فقال أما الحسن فله هيبتي و سؤددى و أما الحسين فله جرأتى و جودى».

مناقب آل أبى طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)؛ ج ۳؛ ص ۳۹۶.

منقبة ۴

قال رسول الله ﷺ: «بني أنذرتهم، و بعلي بن أبي طالب اهتديتم و قرأ: إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» - و بالحسن أعطيتم الإحسان و بالحسين تسعدون و به تشقون، ألا و إن الحسين باب من أبواب الجنة، من عاداه حرم الله عليه ريح الجنة».

عبد الله بن عمر گفته است که رسول خدا ﷺ فرمود: «به واسطه من شما امت به سوی خدا دعوت شدید و از عذاب خدا در بیم و هراس افتادید و به واسطه علی بن ابیطالب راه را پیدا کردید و در صراط مستقیم به سوی خدا حرکت کردید. آنگاه رسول خدا برای استشهاد کلام خود به آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ» تمسک جست و سپس فرمود: «به واسطه حسن مورد احسان و عنایت خدا واقع شدید، و به واسطه حسین سعادت مند یا شقی خواهید شد. ای مردم! آگاه باشید که حسین دری است از درهای بهشت، هرکس با او دشمنی کند خداوند بوی بهشت را به مشام جان او نخواهد رسانید».

طبق این نقل و دیگر روایات مراد از منذر شخص رسول خدا ﷺ و مراد از هادی امیر المؤمنین (علیه السلام) است.^۲ نکته‌ای که حائز اهمیت است آن است که در این روایت به صراحت و به خصوص هادی امت را امیر المؤمنین (علیه السلام)

۱. الرعد: ۷.

۲. عن برید بن معاوية، عن أبي جعفر (علیه السلام) في قول الله: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ». البرهان في تفسير القرآن؛ ج ۳؛ ص ۲۳۱. عن سعيد بن المسيّب عن أبي هريرة قال: سألت رسول الله ﷺ عن هذه الآية فقال لي: «هادي هذه الأمة علي بن أبي طالب». غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص و العام، ج ۳، ص: ۶.

معرفی کرده است. در روایات دیگر ائمه علیهم السلام نیز به عنوان هادی امت یکی پس از دیگری معرفی شده‌اند. ابو بصیر می‌گوید خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: تفسیر آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ...» چیست؟ حضرت فرمود: «مراد از منذر رسول خداست و مراد از هادی، علی است». سپس حضرت فرمود: «ای ابا محمد، آیا در امروز نیز راهنما و راهبری هست؟ گفتم: فدایت شوم همیشه در میان شما خاندان راهنما و راهبری پس از راهنما بوده است تا این زمان که منصب رهبری به شما محوّل شده است.» حضرت فرمود: «ای ابا محمد، خدا تو را رحمت کند. راست گفتی، اگر آیه‌ای از قرآن در شأن مردی به خصوص فرود آید و سپس آن مرد بمیرد، آیه قرآن مرده و کتاب خدا را مرگ فراگرفته است ولیکن قرآن زنده است و در افراد آینده جاری و منطبق می‌شود به همان قسمی که در افراد گذشته منطبق و جاری می‌شده است.»^۱